



دفتر ارزیابی سازمان حفاظت محیط‌زیست ساخت پتروشیمی رامساوی با خروج میانکاله از ذخیره‌گاه‌های زیست‌کره دنیا دانست

## مهر پایان پردیسان بر پرونده پتروشیمی میانکاله

بررسی‌های «ایران» نشان می‌دهد ساخت پتروشیمی میانکاله تنها به نابودی اکوسیستم ذخیره‌گاه زیست‌کره میانکاله و حذف آن از لیست ذخیره‌گاه‌های زیست‌کره دنیا محدود نمی‌شود این طرح نیازمند حفر ۱۰ کیلومتر لوله انتقال پروپیلن تولیدی به دامغان است که موجب نابودی پوشش گیاهی جنگل‌های ثبت جهانی شده «هیرکانی» می‌شود

۱۷



نیما کشاورزی، رهبر میهمان ارکستر ملی ایران از تازه‌ترین اجرا و وضعیت حال حاضر این ارکستر به «ایران» می‌گوید

## ایجاد یک برنامه هدفمند و سالانه برای ارتقای ارکسترهای ایران

۲۳

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی مطرح کرد راه‌اندازی قرارگاه محرومیت‌زدایی با هدف عدالت فرهنگی

اسماعیلی: ۲ هزار تن کاغذ در حال توزیع در بخش‌های مختلف حوزه نشر کتاب و مطبوعات است

۲۳



پتکوویچ؛ به اسم استقلال به عشق تیم ملی

## نیمکت استقلال

تکلیف نیمکت آبی‌ها با وجود اعلام اسامی و گزینه‌های جذاب برای جانشینی مجیدی همچنان مبهم است. در حالی که یکشنبه بنابر اعلام برخی منابع، ریکاردو سایننتو مربی پرتغالی در یک قدمی نیمکت آبی‌ها قرار داشت، دیروز یک‌بار دیگر نام ولادیمیر پتکوویچ مطرح و از او به عنوان سرمربی استقلال در لیگ برتر بیست و دوم نام برده شد



۱۸

«ایران» موضوع افزایش امید زندگی و لزوم افزایش سن بازنشستگی را مورد بررسی قرار داد

## سن بازنشستگی باید قد بکشد!

همین چند وقت قبل بود که گزارش حاصل از ارزیابی شاخص دیده‌بان سالمندی توسط سازمان بازنشستگی منتشر شد. در این ارزیابی از بین ۹۷ کشور که مورد بررسی قرار گرفتند ایران رتبه ۶۴ را به خود اختصاص داد؛ به عبارتی ۶۴ کشور در جهان از ایران وضعیت بهتری دارند...

۲۲

از طرح آزمایشی قیمت شناور بلیت‌های سینما استقبال شد

## فروش دو برابری «هناس» با کاهش قیمت بلیت

۲۳

آب منطقه‌ای استان گیلان از کمبود ۴۰ درصدی آب مورد نیاز مزارع یرنج خبر داد

## جیره بندی آب در شالیزارهای سرزمین باران

آلوده کنندگان آب کشاورزی تحت پیگرد قضایی قرار می‌گیرند

۱۶

## قاتل ۲ طلبه مشهدی بالای چوبه‌دار

عامل به شهادت رساندن دو طلبه مشهدی در حرم مطهر رضوی صبح دیروز در حضور جمعی از شهروندان و مسئولان در محل زندان وکیل آباد مشهد به دار مجازات آویخته شد

۱۹



سمت باغچه‌اش منحرف می‌کند و منتظر می‌ماند تا همه سبزی‌ها حسایی آب بخورند. «سه سال قبل بازنشسته شدم. چند روز در پارک با همسرم و سال‌های خدمت من نشستم، ولی از اینکه بیکار بودم حس خوبی نداشتم. وقتی شنیدم اینجا زمین می‌دهند بلافاصله آمدم و الان هم برای خودم باغچه دارم. سال‌های جوانی‌ام در یکی از روستاهای همدان کشاورزی می‌کردم. اینکه صبح زود بیلایی و باغچه‌ات را آبیاری کنی حس و حال خوبی دارد. با سارقان هم مشکلی ندارم. گفته‌ام هرکسی از باغچه من هرچقدر سبزی و صیفی‌جات خواست بردارد من حلال می‌کنم. باور کنید همین که هر روز بایک خانه بیرون می‌آیم و سرمان در این باغچه گرم می‌شود امیدمان به زندگی هم بیشتری شود.»

با صدای طاهره خانم همه دست از کار می‌کشند و راهی ساختمان اداره فضای سبز می‌شوند: «خانم‌ها زود باشید الان کلاس شروع می‌شود.» یکی از آنها با خنده می‌گوید خانم‌ها لطفاً در یک صف حرکت کنید، از رنگ تفریح هم خبری نیست. سرین ثانی کارشناس آموزش و مشاوره اداره فضای سبز چند بذر جدید وارد کلاس می‌شود. می‌گوید: دنیای این زنان و مردان به همین مزرعه‌گره خورده است: «طرح مزرعه خانواده سال ۸۵ با هدف جدا کردن مردم از محیط آپارتمانی آغاز شد. تلاش کردیم تا مردم از چهار دیواری آپارتمان به این باغچه‌ها بیایند. ۳ هزار و ۹۱۰ متر مربع مزرعه خانواده در نواحی مختلف شهرهای منطقه مردم قرار می‌دهیم. دو سال گذشته به دلیل کرونا استقبال کم‌رنگ شده بود، اما امسال دوباره رونق گرفته است. در کنار مزرعه خانواده مزرعه دست‌ساز کودک هم داریم باغچه‌ها با کشت و زراعت آشنا شوند. البته این را هم بگویم که خانم‌ها علاقه بیشتری نشان می‌دهند، هرچند آقایان تجربه بیشتری در این زمینه دارند.»

کلاس که به پایان می‌رسد همه به مزرعه برمی‌گردند؛ با بیلچه گوشه‌ای از باغچه‌هایشان را کنار می‌زنند و بذرها را جید را می‌کارند. طاهره خانم نایلون بذر را نشان می‌دهد و می‌گوید: «هفته بعد تشریف بیاورید سبزی تازه ببرید.»

اشتباه بوده. باید زحمت بکشی و هر روز به باغچه‌ات سرکشی کنی. متأسفانه بعضی از آنها بعد از مدتی باغچه را راه می‌کنند و می‌روند. ما می‌مانیم و باغچه‌هایی که دلمان نمی‌آید آبیاری نکنیم.» زن چادرش را به کمرش گره می‌زند تا گلی نشود. با دقت فیچگی را پایین می‌گیرد و مشغول چیدن می‌شود. تعارف می‌کند برای ما هم سبزی بچیند. می‌گوید اگر یک روز به این باغچه سر نزنند تا شب حال خوبی ندارد: «این باغچه‌ها را به محلی‌ها می‌دهند، یعنی کسی که خانه‌اش همین اطراف باشد تا بتواند به باغچه‌اش رسیدگی کند. من ۱۳ سال است اینجا باغچه دارم و انواع سبزی‌جات و صیفی‌جات می‌کارم. این بوته خیار را سه ماه است که کاشته‌ام. مثل چغام از آن مراقبت می‌کنم. هرکسی بخواهد از این سبزی‌ها و خیار و لوبیا می‌چینم و به او می‌دهم. ولی بعضی‌ها حق خودشان می‌دانند که شب وارد باغچه بشوند و سرقت کنند.»

چند گنجشک کمی پایین‌تر مشغول نوک زدن به چغندر‌ها هستند. کسی هم کاری با آنها ندارد. طاهره با لبخند آنها را نشان می‌دهد و می‌گوید: «این پرندۀ حق خودشان را می‌خورند و این روزی آنها است. سه تا چغندر کاشته‌ام که همه آنها را گنجشک‌ها خورده‌اند. این قسمت را می‌بینی؟ اینجا گیاهان دارویی می‌کاریم. دوسالی است زیره می‌کارم اما آنقدر روی این باغچه‌ها می‌گذارند که این گیاه بار نمی‌دهد. محلی‌ها می‌شوند. با شوری و سرد شدن هوا دیگر مزرعه بار نمی‌دهد و زمستان بیل می‌زنیم که خاک هوا بخورد. اگر یک روز من و این خانم‌ها اینجا نپاییم حالمان بد می‌شود. خوشبختانه در چند بوستان تهران دیده‌ام مزرعه خانواده دارند و مردان و زنان بازنشسته یا هرکسی که توانایی داشته باشد باغچه می‌گیرد و مشغول کار می‌شود. خیلی از همسرم و سال‌های من کشاورزانه هستند و کودکی‌شان در مزارع سپری شده است.» مشهودی قدرت چهار سالی است که بازنشسته شده و از همان اولین روز خودش را با این باغچه و مزرعه سرگرم کرده است. علاقه‌ای به شرکت در کلاس‌های آموزش گل و گیاه ندارد، چون وقتی جوان بوده کشاورزی می‌کرده و می‌دانند چه چیزی بکار. با بیلچه مسیر آب را به



رضا مصطفیان/ایران

گشت و گذاری در مزرعه خانواده بوستان نارنج

## اینجا هر کسی باغچه خودش را بیل می‌زند

یوسف حیدری گزارش‌دهنده

می‌کارند. نفع مالی برای ما ندارد، فقط به خاطر روحیه گرفتن سبزی می‌کاریم و لذت می‌بریم. کسی هم از ما سبزی نخواهد دست خالی برنمی‌گردد. مشکل بزرگ ما سارقانی هستند که در تاریکی شب به این مزرعه دستبرد می‌زنند. ای کاش حداقل به اندازه نیازی که دارند ببرند. آنها خیار و لوبیا را از بوته در می‌آورند و باعث می‌شوند دیگر سبزی نشوند. اینجا را ببین! چند بوته خیار کاشته بودم، اما الان فقط دو بوته مانده که آنها را بین سبزی‌ها مخفی کرده‌ام تا کامل برسند. چند را تقاضا کردیم حصار بکشند ولی هنوز خبری نشده.

می‌خواهیم خودمان بنر بزنیم و روی آن بنویسیم اینجا مزرعه خانواده است، لطفاً بدون اجازه داخل نشوید. چند بار وقتی سارقان مشغول چیدن سبزی و صیفی‌جات بودند می‌شان را گرفته‌ام که گفتند اینجا برای شهرداری است و حق دارند سبزی بچینند. همین ریحان را ببین! اگر رسیدگی کنیم شش بار سبزی پلو درست کردم. بعد از من همه خانم‌ها لوبیا کاشتند. هرچقدر از طعم آن بگویم کم گفته‌ام. فرق می‌کند که حاصل دسترنج خودت که مثل بچه‌هایت از آن مراقبت کرده‌ای سر سفره باشد تا چیزی که از تره بار یا مغازه می‌خری. ما از سم و کود هم استفاده نمی‌کنیم و همه این‌هایی که می‌بینی ارگانیک است، البته خیلی‌ها فکر می‌کنند یک شبه می‌توانند سبزی و صیفی‌جات بکارند و روز بعد بچینند. روز اول با گلی ذوق و شوق می‌آیند و زمین می‌گیرند اما چند روز بعد تازه متوجه می‌شوند فکرشان کوچک برای خودشان سبزی و صیفی‌جات و داروهای گیاهی

و همسایه‌ها از همین سبزی باغچه می‌دهم. باور می‌کنید این دو قطعه از مزرعه خانواده پارک این همه برکت دارد؟ علاوه بر آن برای من و خیلی از همسرم و سال‌ها شریاطی فراهم شده تا با کاشت و پرورش سبزی و صیفی‌جات آرامش فکری پیدا کنیم و روحیه بگیریم. من زودتر از خانم‌های دیگر به مزرعه می‌آیم و مشغول کار می‌شوم. چیزهایی را که در کلاس آموزش گل و گیاه یاد می‌گیریم اینجا انجام می‌دهیم. با همین نکاتی که یاد ایده از شهرداری منطقه ۱۴ شروع شد و شنیدم برخی از مناطق تهران هم در بعضی از بوستان‌ها مزرعه خانواده درست کرده و در اختیار مردم قرار داده‌اند. این بوستان دوتا مزرعه دارد و این بخش از پارک برای بانوان است و آنجا را که می‌بینی مزرعه آقایان است. سه روز در هفته هم کلاس آموزشی گل و گیاه در اداره فضای سبز برگزار می‌کنند و معتقدند کشاورزانه هستند و همه چیز را بلدند.»

کم کم زنان دیگر از راه می‌رسند و بیلچه و نایلون و فیچگی به دست مشغول چیدن می‌شوند. گاهی از هم مشورت می‌گیرند و گیاهانی را که کاشته‌اند نشان می‌دهند. لبخند به چهره دارند و سعی می‌کنند قبل از شروع کلاس سبزی‌های بیشتری جمع کنند. طاهره با دست بوته‌های خیار را نشان می‌دهد و می‌گوید: «خیلی از مردان و زنان سالمند و بازنشسته در این باغچه‌های کوچک برای خودشان سبزی و صیفی‌جات و داروهای گیاهی

عطر ریحان و نعناع و یونجه فضای پارک را پر کرده است. عطرهای ساعت هشت صبح را نشان می‌دهند. نگاهان فضای سبزی یکی از صندلی‌های پارک نشسته و با دوستش بلند بلند حرف می‌زند. جیک جیک گنجشک‌ها ریتم زیبایی به صبح بوستان نارنج داده و گاهی اوقات قار قار کلاغ به شکل خوشایندی آن را به هم می‌زند. سراخ بوستان خانواده را از نگاهان پارک می‌گیرم. انتهای پارک از نشان این مزرعه را می‌شناسم. اینجا بزرگراه محلاتی و خیابان نبرد از همه آمده است. نایلون سال‌هاست که بخشی از زندگی مردم منطقه شده و بوی عطر سبزی‌هایش تا چند خیابان آن طرف‌تر هم پخش می‌شود. «اینجا بازنشستگی ندارد. برای همه بازنشسته‌ها هم کار هست. اینجا فقط برای دلت کار می‌کنی و دستمزد را هم از همین خاک می‌گیری. نمی‌دانی وقتی ریحان و نعناع و خیاری که خودت کاشته‌ای سرسفره می‌گذاری چقدر لذت دارد.» این را طاهره یکتا می‌گوید. یکی از زنان محل که سال‌هاست در این مزرعه سبزی کاری می‌کند، زودتر از همه آمده است. نایلون بزرگی به دست گرفته و مشغول چیدن سبزی است. توجهی به اطراف نمی‌کند و مراقب است همه جای باغچه خوب آبیاری شود. می‌گوید وقتی با این سبزی‌ها و مزرعه سرگرم می‌شود دیگر هر چیزی حتی مشکلات زندگی روزانه را فراموش می‌کند.» هفت سالی است این مزرعه کوچک را دارم. شش ماه اول سال هیچ وقت سبزی خوردن نمی‌خرم و به خیلی از دوستان